

امکان‌سنجی مطالبه ضرر ناشی از تقویت موقعیت بهره‌مندی از نفقه

محمد بهمند فیروز^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

مریم‌السادات محقق داماد*^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۳

چکیده

یکی از اصول بنیادین حقوق مسئولیت مدنی که مورد تأیید اکثر حقوق‌دانان و نظام‌های قضایی نیز می‌باشد، اصل لزوم جبران ضرر یا اصل جبران کامل خسارت‌هاست؛ بدین معنا که اگر خسارتی به بار آمد، چنانچه تمام شرایط مسئولیت مدنی در آن جمع باشد، می‌بایست خسارت زیان‌دیده به‌طور کامل جبران شود. بر همین اساس، در خصوص جبران ضرر ناشی از تلف عین یا منفعت یا خسارت وارده بر شخصیت انسان، اختلاف نظری وجود ندارد. لیکن در خصوص محروم ماندن از منافع، این پرسش باقی مانده است که آیا منافعی که در نتیجه برهم خوردن یک موقعیت عملی از دست رفته، به‌عنوان یک ضرر قابل مطالبه است؟ از مصادیق بارز لطمه به موقعیت عملی افراد، زمانی است که در اثر فعل زیان‌بار شخص ثالث، موقعیت ناشی از بهره‌مندی نفقه زیان‌دیده از بین برود. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با مطالعه نظام حقوقی ایران و نیز رویه قضایی در فرانسه، درصدد تبیین امکان مطالبه ضرر ناشی از تقویت موقعیت بهره‌مندی از نفقه است. در خصوص امکان یا عدم امکان مطالبه ضرر ناشی از تقویت موقعیت بهره‌مندی از نفقه، بین حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی اعتقاد به عدم امکان مطالبه چنین ضرری دارند و برخی دیگر مطالبه ضرر ناشی از تقویت موقعیت را با الهام از حقوق فرانسه، با مانع خاصی مواجه نمی‌بینند. در این جستار، پس از بررسی و مطالعه هر دو نظر، رویکردی اختیار و تقویت شد که بر اساس آن، ضرر ناشی از تقویت موقعیت، در فرض ایجاد یک موقعیت مستمر به‌عنوان یک حق قانونی و نیز در فرض ایجاد یک موقعیت ناپایدار به‌عنوان یک فرصت دستیابی به منفعت، قابل مطالبه خواهد بود.

کلیدواژه‌ها

مطالبه ضرر، تقویت موقعیت، حق قانونی زیان‌دیده، موقعیت مستمر، تقویت فرصت.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. دانشگاه بوعلی سینا. همدان. ایران.

mohammadbehmand1377@gmail.com

۲. نویسنده مسئول (استادیار گروه حقوق. دانشگاه امام صادق^(ع))، پردیس خواران. تهران. ایران.

m.mohaghegh@isu.ac.ir

مقدمه

شناخت مفهوم و مصادیق ضرر به عنوان یکی از ارکان اصلی مسئولیت مدنی در الزام به جبران خسارات وارده به افراد مؤثر است که با توجه به بروز عرصه‌های جدید، پیشرفت علوم، تکنولوژی و صنایع، دائماً در حال تغییر و تجدد می‌باشد. از سوی دیگر، حاکمیت و نظام قضایی نیز ملزم به محکوم کردن فاعل زیان‌بار به جبران خسارت ناشی از اعمال زیان‌بار خود هستند و از همین رو، باید به شناسایی مصادیق مختلف ضرر، اقدام و حکم به جبران خسارت ناشی از آن نمایند؛ لیکن امروزه شناسایی ضرر و مصادیق آن همانند گذشته آسان نیست و با چالش‌های گوناگونی همراه خواهد بود. یکی از همین چالش‌ها در فرضی است که زیان‌دیده بر اثر فعل زیان‌بار دیگری، موقعیت عملی خود را از دست داده و لذا از منفعتی که می‌بایست در آینده در نتیجه این موقعیت نصیب او شود، محروم شده است. حال آیا می‌توان از دست دادن چنین موقعیتی را ضرر محسوب و بر مبنای آن، حق مطالبه چنین ضرری را به زیان‌دیده اعطا کرد؟

از مصادیق بارز لطمه به موقعیت عملی افراد، فرضی است که برادر توانگر اقدام به تعیین مستمری برای برادر یا خواهر نیازمند خود می‌نماید و بر همین مبنای یک موقعیت و جایگاه اجتماعی برای برادر و خواهر وی به وجود خواهد آمد؛ لیکن اگر برادر توانگر در اثر فعل زیان‌بار شخص ثالثی در حادثه‌ای فوت نماید، آیا می‌توان گفت که خواهر یا برادر مستمند متضرر شده است و می‌تواند با استناد به موقعیت عملی خویش، به عامل فعل زیان‌بار مراجعه نماید و نفقه یا خسارت مادی ناشی از فقدان موقعیت بهره‌مندی از نفقه خویش را مطالبه کند؟ مقاله پیش‌رو به واکاوی حقوقی امکان مطالبه ضرر ناشی از تفویت موقعیت، به خصوص در فرضی که زیان‌دیده موقعیت بهره‌مندی از نفقه خود را در اثر فعل زیان‌بار دیگری از دست داده است، می‌پردازد.

ضرورت بحث و پژوهش در این باره از آنجایی نمایان می‌شود که در خصوص از دست رفتن موقعیت ناشی از بهره‌مندی نفقه بین حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد و اغلب مخالف

مطالبه ضرر ناشی از تفویت موقعیت‌اند. به‌علاوه در حقوق موضوعه نیز، حکم تفویت موقعیت به روشنی بیان نشده و رویه قضایی در این خصوص مسکوت مانده است. لذا با توجه به اهمیت و ضرورت بحث و تبیین امکان مطالبه ضرر ناشی از تفویت موقعیت، هدف نگارندگان این است که تا حد امکان، ابتدا مروری همه‌جانبه بر نظریات حقوق‌دانان داشته باشند و سپس با ارائه استدلال‌های قوی و نقد و بررسی آنها، اعتبار یا عدم اعتبار نظریات مزبور را در دو فرض مستقل، نتیجه‌گیری کنند.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱. موقعیت

مراد از موقعیت، جایگاه و وضعیت قانونی است که شخصی نسبت به دیگری دارد، اما منفعتی که از آن استفاده می‌نماید، هرچند مخالف با نظم عمومی و اخلاق حسنه نیست، تکلیف قانونی طرف دیگر و حق قانونی منتفع نیز نمی‌باشد (باریکلو، ۱۳۹۹، ص ۸۴). به‌عنوان مثال، در شرایطی که برادری نفقه خواهر خویش را تأمین می‌کند، رابطه خواهربرادری مبنی بر پرداخت نفقه سبب به وجود آمدن یک موقعیت مشروع برای خواهر نیازمند می‌شود؛ هرچند پرداخت نفقه تعهد قانونی برادر محسوب نمی‌شود.

۲. فرصت و تفویت فرصت

به بخشی از موقعیت‌هایی که در آن، احتمال کسب منفعت یا جلوگیری از ورود ضرر وجود دارد، «فرصت» یا «شانس» گفته می‌شود (ذاکری، ۱۳۹۰، ص ۲۳). فرصت‌ها دائماً بر دو متغیر «احتمال» و «مقصود» وابسته‌اند. احتمال رسیدن به مقصود، مقصود را احتمالی می‌کند. برخی از عناصر مؤثر در نیل به مقصود قابلیت احراز دارند و برخی ناشناخته هستند؛ حصول برخی در توان افراد است و حصول برخی از دایره توانایی افراد خارج می‌باشد. لذا وجود احتمالات سبب خواهد شد تا رسیدن به مقصود جنبه احتمالی به خود بگیرد. بر همین اساس، چنین موقعیتی را می‌توان فرصت یا شانس نام نهاد. فرصت یا شانس ممکن است ناظر به کسب منفعتی باشد یا اجتناب از ضرری. از همین رو، هرگاه فرصت به دست آوردن یک امتیاز موردنظر و منفعت یا فرصت اجتناب از زیانی در اثر فعل زیان‌بار دیگری از دست برود، به آن

تفویت فرصت گفته می‌شود (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹، ص ۹۵).

۳. تفاوت موقعیت با فرصت

همان‌طور که بیان گردید، فرصت یک بازه زمانی است که در آن، احتمال برخورداری از منفعت یا دفع ضرر وجود دارد و در زندگی افراد، به‌طور محدود و گذرا به وجود می‌آید و سپس از بین خواهد رفت. بنابراین همه افراد در زندگی خود، به دنبال کسب فرصت‌های طلایی و حداکثر استفاده از آن هستند. لذا فرصت همانند یک کاتالیزور، فرایند رسیدن به هدف را سرعت می‌بخشد. به‌عنوان مثال، فرصت شرکت در کنکور سراسری هر سال یک‌بار، آن هم در تاریخ و ساعت مشخص است و اگر فرد بتواند از آن بهره ببرد، می‌تواند او را طی همان زمان محدود، به یکی از بزرگ‌ترین اهداف عمرش برساند؛ لیکن بر خلاف فرصت، اولاً موقعیت محدود به یک بازه زمانی نیست و ثانیاً احتمالات در مفهوم آن بی‌معنا خواهند بود. به عبارت بهتر، در موقعیت‌ها یا منفعت و ضرر شکل نمی‌گیرد یا اگر ایجاد شود، به‌طور پایدار و مستقر در زندگی آنها باقی خواهد ماند و علی‌الاصول جز با اراده افراد از بین نخواهد رفت. بنابراین می‌توان بیان داشت که موقعیت شکل استمراریافته و پایدار فرصت است.

پس از توضیح مختصری از مفاهیم پژوهش، اکنون لازم است موضوع تفویت موقعیت از دیدگاه موافقان و مخالفان بررسی شود.

۱. تفویت موقعیت نفقه از منظر مخالفان

۱-۱. تردید در قانونی بودن حق زیان‌دیده

گروهی از مخالفان شکل‌گیری مسئولیت مدنی تفویت موقعیت معتقدند که در جهت برقراری عدالت، هیچ تمایزی بین فردی که پسر یا همسر خویش را بر اثر سانحه‌ای از دست داده است، با فردی که از یک موقعیت عملی همچون موقعیت پرداخت نفقه محروم گردیده، وجود ندارد و باید گفت که هر دو متضرر شده‌اند و نفعی که از آن محروم شده‌اند، در هر دو مورد، یک نفع مشروع و اخلاقی است. اما با وجود این، قانون مسئولیت مدنی صرفاً تزییع حقوق قانونی ایجادشده برای افراد را یک ضرر قابل مطالبه می‌پندارد و صرف محروم ماندن از احسان (تفویت موقعیت بهره‌مندی از نفقه) را برای طرح دعوا کافی نمی‌داند (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۰۲).

این گروه از مخالفان در جهت تقویت استدلال خود، به عبارت «لطمه به حقوق قانونی افراد» در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی^۱ و نیز عبارت «در صورتی که در زمان وقوع آسیب زیان‌دیده قانوناً مکلف بوده» در ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی^۲ استناد می‌نمایند (همان، ص ۱۰۴).

همچنین عده‌ای از فقها همچون مرحوم شیخ‌الطائفه و نیز مرحوم سید علی طباطبایی (۱۴۴۲ق، ج ۱۲، ص ۱۳۸)، مطابق با دو اصل برائت و عدم، معتقدند که ذمه تمام مکلفین از اشتغال به تکلیف قانونی و شرعی بری خواهد بود؛ مگر آنکه به موجب دلیل متقنی، ذمه آنها مشغول گردد. به عبارت بهتر، اگر در خصوص اشتغال ذمه مکلفین و لزوم جبران خسارت توسط آنها شک نماییم که بر طبق موازین شرعی، خسارت زیان‌دیده از انواع خسارت قابل جبران می‌باشد یا خیر، باید مطابق با اصل برائت، حکم به عدم لزوم جبران خسارت وارد بر زیان‌دیده نماییم.

این گروه از مخالفین، پس از عدم پذیرش مسئولیت مدنی تفویض موقعیت با استناد به قانونی بودن حق ناشی از آن، در ادامه و در جهت جبران بی‌عدالتی، چندین راه‌حل را پیشنهاد می‌نمایند:

۱. با اندکی مسامحه در مفهوم عرفی مال، داشتن این‌گونه موقعیت‌ها مال تلقی گردد و در نتیجه، از بین بردن آن توسط دیگری اتلاف مال محسوب شود تا به استناد ادله لزوم جبران مال تلف‌شده به وسیله تلف‌کننده، بتوان چنین ضرری را قابل جبران تلقی کرد (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۰۳).

۱. ماده ۱: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگر که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

۲. ماده ۶: «در صورت مرگ آسیب‌دیده، زیان شامل کلیه هزینه‌ها مخصوصاً هزینه کفن و دفن می‌باشد، اگر مرگ فوری نباشد، هزینه معالجه و زیان ناشی از سلب قدرت کار کردن در مدت ناخوشی نیز جزء زیان محسوب خواهد شد. در صورتی که در زمان وقوع آسیب، زیان‌دیده قانوناً مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری نماید و در اثر مرگ او، شخص ثالث از آن حق محروم گردد، واردکننده زیان باید مبلغی به‌عنوان مستمری متناسب با مدتی که ادامه حیات آسیب‌دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده، به آن شخص پرداخت کند. در این صورت، تشخیص میزان تأمین که باید گرفته شود، با دادگاه است».

۲. با پذیرفتن دعوی جبرانِ ضررِ معنویِ شخصی که موقعیت خود را از دست داده است، از او حمایت نمود و ضرر ناشی از فقدان موقعیت را از این طریق جبران کرد (باریکلو، ۱۳۹۹، ص ۸۶).

۳. از آنجایی که دستگیری از خویشان تعهدی طبیعی است که خویش توانا در ضمیر خود احساس می‌نماید، تکلیف ناشی از این تعهد طبیعی را پس از استمرار مدیون به پرداخت آن، اماره بر التزام تلقی کنیم و در آستانه ورود به جهان دیون قانونی بدانیم. در نتیجه، می‌توان صدمه به چنین حقی را صدمه به حق قانونی ایجادشده برای فرد بدانیم و جبران آن را بر اساس ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی خواستار شویم (Viney, 1998, P.130).

۲-۱. تردید در ماهیت پرداخت نفقه و مسلم بودن ضرر ناشی از تفویت موقعیت آن

گروه دیگری از مخالفان شکل‌گیری مسئولیت مدنی ناشی از تفویت موقعیت بر خلاف نظر گروه پیشین در درجه اول پرداخت نفقه برادر به خواهر را از لحاظ منطبق حقوقی و عرف عقلا، تعهد طبیعی برادر به خواهر و حق طبیعی محسوب نمی‌کنند تا بتوان با آسیب رسیدن به آن، آسیب‌رساننده را ملزم به جبران خسارت ناشی از فقدان موقعیت نمود (باریکلو، ۱۳۹۹، ص ۸۵). از جهت دیگر، این گروه از مخالفان معتقدند خسارت ناشی از فقدان موقعیت، حتمی و مسلم نیست؛ زیرا ثابت و حتمی نیست که اگر برادر زنده می‌بود، در آینده نیز مانند گذشته نفقه خواهر را پرداخت می‌نمود؛ در حالی که یکی از شرایط ضرر قابل جبران مسلم و حتمی بودن آن است.

همچنین این گروه از مخالفان راه‌حل‌های پیشنهادی گروه نخست از مخالفان را جهت جبران خسارت‌های ناشی از فقدان موقعیت، با قواعد حقوقی ناسازگار می‌پندارند. آنها معتقدند که اولاً مالیت داشتن یا مال بودن چیزی به نظر قاضی بستگی ندارد که او مسامحه نماید؛ بلکه یک موضوع عرفی است و عرف نیز داشتن چنین موقعیتی را مال و فقدان آن را تلف مال محسوب نمی‌نماید. ثانیاً پیشنهاد جبران ضرر ناشی از فقدان موقعیت از طریق جبران خسارت معنوی نیز راه‌حل مناسبی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا جبران خسارت معنوی ممکن است شامل جبران تمام

خسارت‌های مادی ناشی از فقدان موقعیت نشود. ثالثاً پیشنهاد جبران خسارت ناشی از فقدان موقعیت از طریق تبدیل آن به حقوق قانونی خسارت‌دیده نیز، با قواعد حقوقی سازگار نیست؛ زیرا پرداخت نفقه برادر به خواهر، تعهد طبیعی برادر محسوب نمی‌شود و به‌علاوه تعهدات طبیعی، مطابق ماده ۲۶۶ قانون مدنی، فاقد ضمانت‌اجرای لازم هستند و قاضی حق ندارد کسی را بر مبنای تعهد طبیعی، محکوم به اجرای آن یا پرداخت خسارت ناشی از عدم آن نماید (همان‌جا). بنابراین این گروه از مخالفان خسارت مادی ناشی از فقدان موقعیت را بر خلاف گروه قبلی، به‌طور کلی غیرقابل‌جبران می‌پندارد و معتقدند تنها در صورتی که از دست‌دهنده موقعیت از جمله وارثان قابل ارث متوفی باشد، با دادن سهم‌الارث از دیه متوفی، خسارت ناشی از فقدان موقعیت او نیز به‌طور ضمنی جبران خواهد شد.

۲. تفویت موقعیت از منظر موافقان

گروهی از حقوق‌دانان با الهام از حقوق فرانسه، نه‌تنها ضرر واردشده به حق قانونی شخص، بلکه ضرر وارده به نفع مشروع و موقعیت عملی یک فرد را نیز از مصادیق ضرر قابل مطالبه و در نتیجه، از موجبات شکل‌گیری مسئولیت مدنی آسیب‌زننده می‌پندارند (صفایی و رحیمی، ۱۴۰۰، ص ۱۰۰). آنها معتقدند در حقوق فرانسه، علاوه بر تضييع حقوق قانونی، تجاوز به نفع مشروع افراد که از حمایت قانون نیز برخوردار باشد (مانند تفویت موقعیت آنها)، می‌تواند از موجبات تحقق مسئولیت مدنی به شمار برود. به‌عنوان مثال، در رویه قضایی فرانسه در رأی^۱ شعبه مختلط دیوان عالی فرانسه با پذیرش دعوای هم‌خواه‌ای که به‌دلیل از دست رفتن فرصت خود، طرح دعوی نموده بود، حق مطالبه خسارت را با توجه به قانون مصوب ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۵م که مجازات کیفری زنای محصن یا محصنه و نگهداری زن هم‌خواه در اقامتگاه زناشویی را لغو کرده، به رسمیت شناخت؛ زیرا آنها از یک نفع مشروع محروم شده‌اند. بدیهی است که در حقوق ایران، رابطه نامشروع نمی‌تواند مبنای مطالبه خسارت قرار بگیرد؛ لیکن نباید پنداشت که تنها مصداق تجاوز به نفع مشروع افراد ایجاد آسیب به هم‌خواه‌ای است که معشوق خود

1.cass, mixtle, 27 fevr. 1970. JCP, 11. 16305.

را از دست داده است؛ بلکه ممکن است شخصی بی‌آنکه حقی داشته باشد، به نفع مشروع او و به تعبیری به موقعیت عملی او لطمه‌ای وارد شود.

همچنین فقهای عامه و نیز عده‌ای از فقهای امامیه نیز برخلاف نظر فقهای پیشین، معتقدند که نفس ضرر نیز می‌تواند در کنار سایر عناوین ایجادکننده ضمان همچون اتلاف، تسبیب و غصب، می‌تواند به‌عنوان یکی از موجبات ضمان مطرح شود و هرگاه خسارتی را که بر زیان‌دیده وارد شده است، نتوان در هیچ‌یک از عناوین ایجادکننده ضمان جای داد، می‌توان آن ضرر را تحت عنوان عام ضرر قرار داده، بر همین اساس، حکم به جبران ضرر ناشی از آن کرد.

۳. نقد و تحلیل دیدگاه‌های موافقان و مخالفان

بعد از نقل اقوال، اینک به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم. پس از بررسی نظریات دکترین حقوقی که نقل آن گذشت، می‌توان گفت: سه دلیل اساسی برای عدم شکل‌گیری مسئولیت ناشی از تفویض موقعیت وجود دارد. در ادامه، ادله مذکور را در دو فرض موقعیت مستمر و دائمی و موقعیت غیرمستمر و ناپایدار بررسی خواهیم نمود. چنانچه ثابت شود ادله دیدگاه قائلین به عدم شکل‌گیری مسئولیت مدنی ناشی از تفویض موقعیت نادرست است، نظریه مسئولیت ناشی از تفویض موقعیت تثبیت خواهد شد و بالعکس.

سه دلیل مذکور عبارت‌اند از: ۱. تعهد به پرداخت نفقه اقارب در خط اطراف یک تعهد طبیعی نیست و بر مبنای آن، فقدان موقعیت پرداخت نفقه از ضمانت‌اجرای لازم برخوردار نیست؛ ۲. موقعیت ناشی از پرداخت نفقه یک حق قانونی نیست؛ ۳. ضرر ناشی از تفویض موقعیت یک ضرر احتمالی است.

۳-۱. موقعیت مستمر و دائمی

مقصود از موقعیت مستمر و دائمی هنگامی است که خواهان دعوی اعم از آنکه واجب‌النفقه بوده است یا خیر، از حمایت منظم و پایدار زیان‌دیده برخوردار بوده است؛ لیکن به‌سبب فعل زیان‌بار شخص ثالث از این موقعیت محروم شده است.

۳-۱-۱. تعهد به پرداخت نفقه اقارب در خط اطراف یک تعهد طبیعی

گفته شد که عده‌ای از حقوق‌دانان در مقام مخالفت با شکل‌گیری مسئولیت ناشی از تفویض

موقعیت، تعهد پرداخت نفقه برادر به خواهر خویش را یک تعهد طبیعی محسوب نکرده، به طریق اولی، آسیب رساندن به آن را نیز مستلزم جبران خسارت تلقی نمی‌نمایند. اما به نظر می‌رسد که این استدلال قابل‌خداشه و انتقاد است؛ زیرا مطابق با ماده ۲۶۶ قانون مدنی، تعهدات طبیعی به تعهدات مشروعی گفته می‌شود که فاقد ضمانت‌اجرای قانونی هستند و متعهدله قانوناً از حق اقامه دعوا جهت مطالبه آنها محروم است (عبدالصمدی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۹۳). بر همین اساس، تعهدات طبیعی از بین عناصر لازم جهت تشکیل نهاد تعهد، یعنی «دین» و «التزام»، فاقد خصیصه دوم یعنی اجبار یا التزام به تأدیه است و پس از تأدیه است که کمال می‌یابند. بنابراین تعهدات طبیعی در حقوق ایران فقط محدود به تعهدهای ناقص‌شده و عقیم‌مانده (مانند دین مشمول مرور زمان یا دین مشمول قرارداد ارفاقی) نمی‌شود، بلکه تعهدات طبیعی گروه دیگری از تعهدات اخلاقی روبه‌کمال را در بر می‌گیرد که از اقتضا و زمینه مناسب جهت تبدیل به یک دین کامل برخوردار است و از دید عرف و اخلاق، شایسته احترام و اجراست، اما کمال و تحقق آن با مانع حقوقی روبرو شده است.

تردیدی نیست که بخش مهمی از تعهدهای طبیعی ریشه اخلاقی دارند و نباید از نقش انکارناپذیر عناصر حقوقی در تکوین تعهدات طبیعی غافل شد. کمک به خویشاوندان نیز از تکلیف‌های شناخته‌شده اخلاقی است (جعفرزاده و علیزاده، ۱۳۹۹، ص ۲۶۷). این تکلیف اخلاقی آن‌چنان با اعتقاد عمومی و ارزش‌های جامعه آمیخته شده است که در آستانه ورود به جهان حقوقی قرار می‌گیرد و بی‌اعتنایی به آن از دید عرف و اخلاق، شایسته نكوهش و سرزنش است؛ هرچند از منظر قانونی، الزامی برای اجرای آن نباشد (کاتوزیان، ۱۳۹۹، ص ۵۲۶). بر همین اساس، استدلال آن دسته از فقها که مطابق با اصل برائت و عدم، ذمه تمام مکلفین را بری می‌پندارند، در فرض مورد بحث، قابلیت اجرا نخواهد داشت؛ زیرا همان‌طور که بیان شد، پرداخت نفقه به خویشان نیازمند نوعی تعهد طبیعی است که می‌تواند در آستانه ورود به جهان حقوقی نیز قرار بگیرد.^۱

۱. بند ۲ ماده ۶۳ قانون تعهدات سوئیس نیز، به‌صراحت به نفوذ تعهدات اخلاقی در قانون اشاره نموده و مقرر داشته است «... آنچه به انگیزه برائت از یک طلب مشمول مرور زمان یا اجرای یک تکلیف اخلاقی پرداخت شده است،

۳-۱-۲. فقدان موقعیت پرداخت نفقه یک نفع مشروع و حق قانونی

همان‌طور که گذشت، عده‌ای از حقوق‌دانان در مقام مخالفت با شکل‌گیری مسئولیت ناشی از تفویض فرصت، با توجه به عبارت «هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده باشد» در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، فقط تجاوز به حقوق قانونی اشخاص را مستلزم شکل‌گیری مسئولیت مدنی می‌دانند و تزییع موقعیت به دست آوردن منفعتی مانند نفقه را از شمول حقوق قانونی اشخاص خارج دانسته، به طریق اولی، مشمول ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نمی‌پندارند. اما این استدلال از دو جهت قابل‌خنده است:

اولاً مشکل می‌توان عبارت «هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده باشد» را که در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی اعمال شده است، حمل بر این معنا دانست که حق باید قانونی باشد؛ زیرا طبق عرف و سیره عقلا، دلیلی بر لزوم قانونی بودن حق وجود ندارد؛ بلکه آنچه اهمیت دارد، آن است که حق یا منفعت به وجود آمده مخالف با قانون، نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد. لذا مراد از عبارت «هر حق قانونی»، هر حقی است که استیفای آن مستلزم انجام عمل خلاف قانون آمره یا نظم عمومی یا اخلاق حسنه نیست (یزدانیان، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۳۷). بدیهی است در موضوع مورد بحث ما نیز، هرچند تعهد پرداخت نفقه به خواهر نیازمند به موجب قانون بر برادر توانگر لازم و واجب نیست، انجام آن نیز موجب اختلال در قوانین یا نظم عمومی یا اخلاق حسنه نمی‌شود. در حقوق فرانسه نیز، قانون‌گذار اشخاصی را که هزینه آنها به عهده زیان‌دیده بوده، لیکن به دلیل فعل زیان‌بار شخص ثالث از این کمک مالی محروم شده‌اند، صاحبان حق تلقی نموده است و زیان وارد به آنها را به‌عنوان قسمی از زیان‌های مالی غیرمستقیم، قابل‌جبران می‌داند.

ثانیاً همان‌طور که ثابت گردید، پرداخت نفقه خویشان مسکین مانند خواهر یا برادر، یک تعهد اخلاقی و قسمی از تعهدات طبیعی است که واقعیت‌های روانی و اجتماعی و عرف نیز

نمی‌تواند مورد استرداد قرار گیرد». همچنین در ماده ۲۰۳ قانون مدنی لیبی، به تعهدات اخلاقی و اجتماعی اشاره شده است که می‌تواند منجر به تعهدات طبیعی شود (یزدانیان، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۴۰).

آن را شایسته حمایت حقوقی می‌بینند. در این حالت، هنگامی که مدیون تصمیم به اجرای تکلیف وجدانی خود می‌گیرد، در واقع با این عمل خود، فرایند تکوین تعهد کامل می‌سازد و روادید قطعی ورود تعهد اخلاقی را به جهان حقوقی صادر می‌کند. حتی می‌توان از این هم پیش‌تر رفت و بیان داشت: اگر این انفاق استمرار پیدا کند، چندان که عرف از آن التزام به انفاق استنباط کند، زیان‌دیده حق قانونی خود را در اثر فعل زیان‌بار شخص ثالث از دست داده است. به عبارت بهتر، التزام مستمر مدیون به پرداخت دین اخلاقی و طبیعی خود موجب خواهد شد تا دین طبیعی چهره قانونی به خود گیرد و حق مطالبه آن توسط ذی‌نفع را قانون‌گذار، محترم بشناسد. بدیهی است که از این استدلال نباید چنین نتیجه گرفت که اجرای تعهد توسط متعهد نوعی تبدیل تعهد است؛ بلکه مقصود ما این است که زمینه وجود یک دین حقوقی پیش از اراده مدیون وجود داشته و اینک با اراده انشایی مدیون، این دین تکامل یافته است و به‌عنوان یک دین طبیعی، حرکت خود را از سر خواهد گرفت.^۱

۳-۱-۳. ضرر ناشی از تفویت موقعیت یک ضرر قطعی و مسلم

عده‌ای از حقوق‌دانان در مقام مخالفت با شکل‌گیری مسئولیت ناشی از تفویت موقعیت، به قطعی و مسلم نبودن ضرر ناشی از آن استناد می‌نمایند؛ لیکن همان‌طور که بیان شد، هنگامی که مدیون به‌صورت مستمر و دائم، به شناسایی دین اخلاقی خود و پرداخت آن اقدام می‌نماید، عرف نیز از این اقدام مدیون به‌صورت ضمنی التزام وی به پرداخت دین را استنباط خواهد کرد و دین طبیعی مدیون چهره قانونی به خود خواهد گرفت. در این صورت، چگونه می‌توان ادعا کرد که ضرر ناشی از تفویت موقعیت یک ضرر احتمالی است؟ بدیهی است که ضرر ناشی از آسیب‌رسانی به موقعیت افراد در این حالت، آسیبی است که بر مبنای استمرار مدیون به پرداخت دین بر حسب جریان عادی امور، قابل تحقق خواهد بود (بادینی و اقدس‌طینت، ۱۳۹۶، ص ۹).

۱. از یک بعد دیگر نیز می‌توان چنین استدلال کرد که تعهد اخلاقی مدیون در این فرض به‌مانند تعهد معلق به یک شرط خارجی است که در صورت ضمیمه شدن شرط (التزام و پرداخت مستمر مدیون)، تبدیل به یک موجود حقی کامل خواهد شد.

به عبارت بهتر، هنگامی که عامل زیان موجب فوت برادر نیکوکاری شده است که به خواهر نیازمند خود به صورت مستمر کمک می‌کرده، چه تفاوتی بین خواهر محروم‌مانده از حق قانونی خود با شخصی که در اثر تقصیر دیگری از کسب یک منفعت در آینده محروم شده است، وجود دارد؟ بی‌تردید در هر دوی این موارد، زیان‌دیده از منفعت ممکن‌الحصول که بر حسب جریان عادی امور زندگی قابل تحقق بوده، محروم شده است. بنابراین هنگامی که زیان‌دیده از موقعیت پرداخت نفقه به نحو مستمر، محروم شده است، نه تنها ضرر ناشی از تفویت موقعیت یک ضرر احتمالی و غیرقابل مطالبه نیست، بلکه ضرری مسلم و قطعی است که اقتضا و زمینه وجود آن در آینده به نحو قطعی و بر حسب جریان عادی امور، وجود خواهد داشت.

۳-۱-۴. تثبیت نظریه شکل‌گیری مسئولیت ناشی از تفویت موقعیت

تا اینجا ثابت شد که هیچ‌یک از ادله قائلین به عدم شکل‌گیری مسئولیت ناشی از تفویت موقعیت قابل‌پذیرش نیست؛ زیرا نه تنها کمک به خویشاوندان یک تعهد طبیعی است، بلکه در صورتی که یک موقعیت مستقر و دائمی برای زیان‌دیده وجود داشته باشد و عرف نیز از آن التزام به انفاق را استنباط نماید، بی‌تردید محکمه این موقعیت را در زمره حقوق قانونی مستمند شناخته، صدمه به چنین حقی را خسارت به حقوق مشروع و قانونی افراد و به استناد ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، قابل‌جبران می‌داند. بر همین مبنا، طبق رأی مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۷۰ که توسط دیوان کشور فرانسه صادر شد، علاوه بر خویشاوندان و کسانی که رابطه حقوقی با متوفی داشته‌اند، اشخاص ثالث نیز از حق مطالبه خسارات ناشی از اقدام زیان‌بار یا تقصیر خواننده دعوی برخوردار خواهند بود. به عبارت بهتر، دعوی مطالبه زیان از فاعل زیان‌بار صرفاً وابسته به وجود یک رابطه خویشاوندی یا حتی حقوقی میان متوفی و اشخاص زیان‌دیده نخواهد بود؛ بلکه تنها تمایز خویشان متوفی نسبت به سایر افراد، برخورداری از یک اماره وجود ضرر، آن هم به دلیل وجود رابطه خویشاوندی با متوفی خواهد بود. لیکن سایر افراد از وجود این اماره به نفع خود بی‌بهره‌اند و می‌بایست آن را در محکمه به اثبات برسانند (Viney, 1995, P. 113).

۳-۲. موقعیت ناپایدار

مقصود از شکل‌گیری موقعیت ناپایدار در فرضی است که مدیون ندای وجدان خود را پاسخ

گفته و اقدام به تعیین مستمری برای خواهر یا برادر نیازمند خود نموده است؛ لیکن به‌صورت مستمر و پایدار، التزام خود را به پرداخت دین بروز نداده و به‌صورت نامنظم اقدام به پرداخت دین خود نموده است. لذا این اقدامات مدیون سبب شکل‌گیری یک موقعیت ناپایدار خواهد شد که شباهت بیشتری با فرصت رسیدن به یک نفع مشروع خواهد داشت. در ادامه، استدلال‌های مخالفان شکل‌گیری مسئولیت مدنی ناشی از تقویت موقعیت در این فرض، بررسی خواهد شد.

۳-۲-۱. پرداخت نفقه یک تعهد طبیعی

با بیان استدلالی که گذشت، همچنان باید معتقد بود که کمک به خویشاوندان یک تعهد طبیعی است که عرف و جامعه آن را شایسته حمایت حقوقی و قانونی می‌پندارند و چشم‌پوشی از آن را شایسته ملامت و سرزنش. اگر شخصی این ندا را در وجدان خود حس کند و در مقام ادای تکلیف، هرچند در یک مرتبه یا به‌صورت نامنظم، برآید، وصف حقوقی این احسان باز هم وفای به عهد است نه بخشش. بنابراین بدیهی است که نحوه پرداخت نفقه حتی به‌صورت نامنظم هم، سبب نخواهد شد که کمک به خویشاوندان از دایره شمول تعهدات طبیعی خارج شود. از همین رو، در فرض پرداخت نفقه به‌صورت نامنظم نیز، نمی‌توان با این استدلال حقوق‌دانان هم‌عقیده بود.

۳-۲-۲. کمک به خویشاوندان همچون یک نفع مشروع

همان‌طور که بیان شد، هر نفع مشروعی که مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد، بی‌تردید از حمایت قانون برخوردار است و تجاوز به آن با استناد به ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، قابل جبران خواهد بود؛ با این استدلال که پرداخت نفقه به خواهر یا برادر نیازمند، حتی به‌صورت نامنظم، باعث ایجاد اختلال در نظم عمومی یا مخالفت با اخلاق حسنه نخواهد شد. اما چالش مهمی که سبب می‌شود تا موقعیت به‌وجودآمده در اثر پرداخت نفقه به‌صورت نامنظم، مشمول ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و در نتیجه، مستلزم جبران خسارت واقع نشود، آن است که موقعیت از دست‌رفته در این فرض، یک موقعیت ناپایدار و اتفاقی است و صرف محروم ماندن از منافع ناشی از موقعیت‌های گذرا و ناپایدار را نمی‌توان دستاویزی در جهت جبران

خسارات ایجاد شده قرار داد (Viney, 1998, P. 124). به عبارت بهتر، محکمه در جبران زیان‌های ناشی از تضييع موقعیت‌های افراد، باید دو شرط اصلی را احراز نماید: اولاً منفعت ازدست‌رفته باید یک منفعت مشروع و اخلاقی باشد؛ ثانیاً باید ثابت شود که موقعیت ازدست‌رفته یک موقعیت مستقر و دائمی بوده است. بدیهی است که موقعیت مورد بحث در این فرض، از حمایت شرط مشروع بودن برخوردار است؛ اما نمی‌توان قائل بود که این موقعیت یک موقعیت مستمر بوده و در اثر التزام مدیون، به یک حق قانونی تبدیل شده است. بنابراین لزوم جبران خسارت ناشی از تفویت موقعیت در این فرض متنفی خواهد بود؛ اما نه بدان سبب که مشمول عبارت «هر حق قانونی» در ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی نیست؛ بلکه به این دلیل که موقعیت ازدست‌رفته در این فرض یک موقعیت اتفاقی است که شایسته جبران خسارت نخواهد بود.

۳-۲-۳. ضرر ناشی از تفویت موقعیت یک ضرر احتمالی

از آنجا که در فرض مورد بحث، پرداخت نفقه به صورت پراکنده و نامنظم انجام شده است، بدیهی است که ضرر ناشی از تفویت چنین موقعیتی یک ضرر احتمالی است و فاقد اوصاف لازم برای یک ضرر قابل مطالبه است (السنهوری، ۱۹۹۸م، ج ۱، ص ۷۶۶). به عبارت بهتر، بر خلاف موقعیت مستمر که در آن، امکان کسب یک منفعت ممکن‌الحصول برای زیان‌دیده از دست رفته، در چنین موقعیت متزلزل و ناپایداری، زیان‌دیده صرفاً از کسب یک منفعت احتمالی محروم شده است. از همین رو، نمی‌توان به زیان‌دیده، حق مطالبه ضرر ناشی از تفویت چنین موقعیتی را اعطا نمود. در رویه قضایی حقوق فرانسه نیز، شعبه ۱ مدنی دیوان عالی فرانسه^۱ ضررهای آینده را تنها بدین شرط که قطعی و مسلم باشند، قابل ارزیابی دانسته است. بنابراین در احتمالی بودن ضرر ناشی از تفویت موقعیت در چنین فرضی، می‌توان با مخالفان شکل‌گیری مسئولیت ناشی از تفویت فرصت هم‌عقیده بود.

1. cass.1civ, 1 juin. 1932

۳-۲-۴. تثبیت نظریه عدم شکل‌گیری مسئولیت مدنی ناشی از تفویت موقعیت

تا بدین‌جا ثابت شد که با استدلالی متفاوت از مخالفان شکل‌گیری مسئولیت مدنی تفویت موقعیت، صرفاً بر مبنای مستمر نبودن موقعیت به‌وجودآمده و نیز احتمالی بودن ضرر ناشی از آن در فرضی که مدیون صرفاً دین اخلاقی خود را به‌صورت نامنظم پرداخته و اراده مستمری برای ورود دین اخلاقی خود به جهان حقوقی از خود بروز نداده است، نمی‌توان قائل به شکل‌گیری مسئولیت مدنی ناشی از تفویت موقعیت شد؛ لیکن در جهت جبران خسارت‌های زیان‌دیده می‌توان بیان داشت که زیان‌دیده در این حالت، صرفاً بخت رسیدن به یک منفعت مشروع اخلاقی را به‌سبب تقصیر فاعل زیان‌بار از دست داده است. بر همین اساس، در رویه قضایی حقوق فرانسه نیز، آرای متعددی در جهت به رسمیت شناختن جبران ضرر ناشی از دست رفتن یک نفع (فرصت) صادر شده است، به‌عنوان مثال:

۱. شعبه ۲ دیوان‌عالی فرانسه در رأی^۱ خود، به جبران خسارت جوان معلولی حکم داد که در جریان عمل جراحی، شانس معالجه و بهبودی خود را از دست داده بود.
۲. شعبه ۱ دیوان‌عالی فرانسه^۲ در رأی خود، علاوه‌بر محکوم کردن ماما به جبران خسارت ناشی از تقصیر وی در به دنیا آوردن طفلی که معلول به دنیا آمده بود، وی را به جبران خسارت ناشی از نابود شدن شانس «زندگی سالم» نیز محکوم نمود.

ممکن است این سؤال در ذهن به وجود آید که صرفاً از دست دادن امکان و بخت دستیابی به منفعتی را می‌توان خسارت تلقی نمود که آن بخت از دست‌رفته واقعی و جدی باشد. حال چگونه می‌توان تفویت چنین منفعتی را یک فرصت از دست‌رفته واقعی تلقی کرد، در حالی که مدیون دین خود را به‌صورت مستمر نپرداخته است؟ در پاسخ باید گفت که درست است که فرصت از دست‌رفته باید واقعی و جدی باشد تا بتوان با آسیب به آن تقاضای جبران خسارت نمود، اما باید یادآور شد که احتمال رکن اصلی تفویت یک فرصت است و اصولاً به نتیجه

1. cass, 2civ, 24 janv, 1996

2. cass, 1civ, 16 juill, 1998

رسیدن فرصت هرگز حتمی نیست؛ بلکه همان مقدار که منفعت ازدست‌رفته بر پایه سیر طبیعی امور قابل پیش‌بینی باشد و نیز احتمال حصول نتیجه کم و ضعیف نباشد، برای حکم به جبران خسارت‌های ناشی از آن کفایت می‌کند (کاتوزیان، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۸۱). از همین رو، هنگامی که مدیون ندای وجدان خود را پاسخ گوید و به تعیین مستمری برای خواهر یا برادر نیازمند خود اقدام کند، نشان‌دهنده التزام مدیون است و می‌توان گفت که این منفعت علاوه بر آنکه احتمال حصول آن ضعیف نیست، بر پایه سیر طبیعی امور نیز قابل پیش‌بینی است؛ حتی اگر مدیون دین خود را نامنظم پرداخته باشد. به همین جهت، جمعی از نویسندگان فرانسوی نیز تفویض موقعیت ازدست‌رفته را همانند امکان و بخت رسیدن به نفع، در زمره خسارت آورده‌اند (Savatier, 1950, P.47).

در ادامه، برای کاربردی شدن هرچه بیشتر مبنای متخذ، به مبنای فقهی و قانونی جبران خسارت ناشی از تفویض موقعیت و تفویض فرصت اشاره‌ای خواهیم کرد.

۳-۳. مبانی فقهی

۳-۳-۱. آیه ۱۹۴ سوره بقره

یکی از ادله‌ای که پایه اعتبار مسئولیت مدنی و جبران زیان در فرض مورد بحث تلقی می‌شود، آیه «اعتدا» است که آیه ۱۹۴ سوره مبارکه بقره است. در آیه، خداوند می‌فرماید: «هرکس به شما تجاوز کرد، به مثل تعدی، بر او تعدی نمایید». شیخ طوسی (۱۴۰۷ق، ص ۲۰۷) در برخی از کتب، برای اثبات ضمان به مثل در اموال مثلی و ضمان به قیمت در اموال قیمی، به این آیه شریفه استناد کرده است. تردیدی نیست که اتلاف اموال دیگران از مصادیق تجاوز و تعدی بر حقوق افراد محسوب می‌شود. لذا از آیه فوق نتایج ذیل قابل استنباط است:

اولاً جواز حق مطالبه خسارت برای شخص زیان‌دیده (که در اثر فعل زیان‌بار شخص ثالث، حقوق او مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته و در نهایت، منجر به اتلاف اموال وی گشته است) و ثانیاً اعلام جواز حق مقابله به مثل به عنوان یکی از راه‌های جبران خسارت. بنابراین آیه مذکور در مقام بیان حق و جعل حکم وضعی (ضمان) است. حال که اصل ضمان و نیز حکم به جبران کامل خسارت از آیه مزبور قابل استنباط است، می‌توان گفت: در صورتی که فعل زیان‌بار

شخصی باعث ایجاد آسیب بدنی بر شخص دیگری و از این طریق، باعث ایجاد از بین رفتن موقعیت و روابط فرد زیان‌دیده با اقوام خویش گردد، نه تنها موظف به جبران خسارت زیان‌دیده اصلی است، بلکه موظف است خسارت‌های ناشی از بر هم خوردن موقعیت و در صورت ناپایدار بودن موقعیت، خسارت ناشی از تفویت فرصت را نیز جبران کند.

۳-۲-۳. اصل لاضرر

یکی از مبانی بسیار مهمی که در اثبات ضرورت جبران خسارت ناشی از تفویت موقعیت و تفویت فرصت مؤثر باشد، قاعده‌ی لاضرر است که خود مأخوذ از چندین حدیث است و یکی از پرکاربردترین لوازم در اثبات بسیاری از احکام می‌باشد؛ تا حدی که از برخی از علمای عامه نقل شده که فقه بر مدار پنج حدیث می‌چرخد که یکی از این احادیث، حدیث لاضرر است (یثربی و محمودی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۵). برای قابلیت مطالبه‌ی ضرر ناشی از تفویت موقعیت و نیز فرصت بهره‌مندی از فقه، در صورتی می‌توان به قاعده‌ی لاضرر تمسک جست که اولاً تفویت موقعیت و فرصت بهره‌مندی از نفقه یک ضرر محسوب شود. ثانیاً قاعده‌ی لاضرر توانایی جعل حکم را دارا باشد. همان‌طور که بیان گردید، چون در هر دو فرض (تفویت موقعیت و تفویت فرصت)، زیان‌دیده یک نفع مشروعی را از دست داده است، در صدق مفهوم ضرر بر از دست رفتن موقعیت و نیز تفویت فرصت بهره‌مندی از نفقه، در عرف تردیدی نیست؛ لیکن در ارتباط با امر دوم مبنی بر توانایی جعل توسط قاعده‌ی لاضرر، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد که بحث در خصوص این مهم را به منابع مرتبط واگذار می‌نماییم.^۱

به نظر می‌رسد از آنجا که حدیث لاضرر یک جمله اسمیه است، باید گفت که معنای حقیقی

۱. عده‌ای از فقها معتقدند: «لا» در قاعده‌ی لاضرر یک لای نهی است و بر همین اساس، دلالتی بر حکم وضعی (ضمان) ندارد و صرفاً حرمت آسیب‌رسانی به دیگران را نمایان می‌سازد (موسوی خمینی، ۱۳۶۵، ص ۵۰)؛ اما گروه دیگری از فقها معتقدند که کلمه «لا» در قاعده‌ی لاضرر از نوع لای نفی جنس بوده و بر همین اساس، عده‌ای از فقها معتقدند که مقصود از لاضرر نفی حکم موجد ضرر است و واژه حکم در قاعده‌ی لاضرر در تقدیر است (انصاری، بی‌تا، ص ۳۷۳). به علاوه، عده دیگری از فقها معتقدند که مقصود از لاضرر نفی حکم به لسان نفی موضوع است (آخوند خراسانی، ۱۳۶۵، ص ۲۶۵).

«لا» در این حدیث، لای نفی است نه نهی (سکوتی و شمال، ۱۳۸۹، ص ۸۸؛ محقق داماد، ۱۳۹۷، ص ۱۹۴). به علاوه نمی‌توان باور داشت که شمول قاعده لاضرر صرفاً محدود به رفع احکام ضرری بوده است و نسبت به مواردی که خلأ قانونی موجب تزییع حقوق افراد می‌شود، کاربردی نداشته باشد؛ زیرا عدم جعل احکام متناسب نیز می‌تواند پیامدها و آسیب‌های مخربی را به همراه داشته باشد (محقق داماد، ۱۳۹۷، ص ۲۰۴). بنابراین مطابق با استدلال‌های بیان شده، در صورتی که در اثر فعل زیان‌بار دیگری، به موقعیت مشروع شخص ثالثی لطمه وارد شود، بی‌تردید مصداقی از ضرر خواهد بود و مطابق با اصل لاضرر که دربرگیرنده جبران امور عدمی - ضرری نیز می‌باشد، حکم به جبران خسارت‌های ناشی از تفویت موقعیت و فرصت صادر خواهد شد.

۳-۳-۳. قاعده نفی عسر و حرج

حرج در لغت به معنای ضیق، محدودیت و در تنگنا قرار دادن آمده است. موارد استعمال آن هم به همین معناست و گاهی به معنای جایی که درختان انبوه باشد و نیز به معنای دشواری و گناه به کار رفته که این موارد از مصادیق همان معنای «ضیق» هستند. عسر نیز در لغت به معنای سختی و دشواری و در برابر «یسر» به معنای آسانی و راحتی است (محمدی، ۱۳۹۹، ص ۱۹۰). در فقه و حقوق، منظور از این قاعده این است که هرگاه تکلیفی دشوار و مشقت‌بار باشد، ساقط می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۰، ص ۳۱۵). برخی از فقها در بیان حد و اندازه عسر و حرج نوشته‌اند: «عسر و حرج آن است که مستلزم مشقت شدیدی باشد که مردم عادتاً آن را تحمل نمی‌کنند» (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۲، ص ۱۴). از همین رو، در فرض مورد نظر، می‌توان نتیجه گرفت که عدم قبول جبران خسارت ناشی از تفویت موقعیت و نیز تفویت فرصت بهره‌مندی از نفقه چه‌بسا موجب عسر و حرج، یعنی مشقت شدید و تحمل‌ناپذیر زیان‌دیده خواهد شد. لذا با حکم به جبران خسارت، این تکلیف دشوار ساقط خواهد شد.

۳-۳-۴. عقل

واژه عقل در زبان عربی با معانی مختلفی همچون خرد، علم و تأمل در کارها به کار رفته است (ابن فارس، ۱۳۸۷، ص ۶۹۱). لیکن معروف‌ترین معنایی که از آن به زبان فارسی نیز راه یافته است، معنای خرد در مقابل جهل و نادانی است. همچنین واژه عقل در علوم مختلفی همچون

فلسفه، منطق، کلام و اخلاق به کار رفته است و در هریک از این علوم، تعریف‌های متفاوتی از آن ارائه شده است. اما صرف نظر از اختلافات اندیشمندان در ارائه تعریف اصطلاحی از عقل، همگان اطلاق عقل را بر گوهری نفسانی که انسان‌ها را بر گزینش خیر و اجتناب از شر فرا می‌خواند، پذیرفته‌اند (علیدوست، ۱۳۸۵، ص ۳۳؛ انصاری، ۱۴۱۱ق، ص ۲۲۹).

اصولیان دلیل عقلی را به دو دلیل مستقلات عقلی و غیرمستقلات عقلی تقسیم‌بندی کرده‌اند. به عبارت بهتر، هرگاه عقل به تنهایی و بدون بهره‌گیری از مقدمات شرعی، حکمی را درک نماید، به آن دلیل عقلی، «مستقلات عقلیه» گفته می‌شود و هرگاه عقل برای اثبات حکم شرعی از مقدمات شرعی نیز بهره ببرد، به آن دلیل عقلی، «غیرمستقلات عقلی» می‌گویند (قافی و شریعتی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۴۲). در فرض مورد بحث نیز، عقل به‌عنوان یک منبع مستقل استنباط احکام و بدون بهره‌گیری از مقدمات شرعی درمی‌یابد که چنانچه شخصی به دیگری زیانی وارد کرد و مسئول جبران آن شد، این جبران نباید ناقص باشد؛ بلکه فاعل زیان باید تمامی خسارات وارده را که مستند به فعل اوست، جبران کند.

۳-۳-۵. بنای عقلا

سیره عبارت است از استمرار عادت مردم به انجام فعلی یا ترک آن فعل. اگر سیره متعلق به عموم مردم باشد، آن را سیره «عقلایی یا بنای عقلا» می‌نامند و هرگاه متعلق به پیروان مذهبی خاص باشد، آن را «سیره متشرعه» می‌نامند. لذا مقصود از بنای عقلا رفتار معینی است که همه خردمندان در مواجهه با یک واقعه (اعم از انجام یا ترک آن) از خود بروز داده‌اند (مظفر، ۱۳۷۰، ص ۱۷۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۶۲).

بر همین اساس، مراجعه به زندگی خردمندان این نکته را مسلم می‌کند که وقتی شخصی موجب وارد آمدن خسارتی بر دیگری شد، ملزم است تا تمامی آسیب‌های منتسب به رفتار زیان‌بار خود را جبران نماید و تنها جبران بخشی از آسیب‌های وارد نمی‌تواند مورد تأیید بنای عقلا باشد.

۳-۳-۶. مبانی قانونی

مبانی قانونی را در دو فرض مبانی قانونی جبران خسارت ناشی از تفویت موقعیت و نیز جبران

خسارت ناشی از تفویض فرصت به صورت مستقل بررسی خواهیم کرد:

۳-۶۳-۱. اصل جبران کامل خسارت‌ها

اصل کامل جبران خسارت‌ها که از حقوق فرانسه اقتباس شده است، به این معناست که باید تلاش کرد تا زیان به طور کامل مرتفع و جبران گردد و وضعیت زیان‌دیده تا حد امکان به وضعیت قبل از وقوع حادثه بازگردد. به عبارت بهتر، هدف از اصل کامل جبران خسارت‌ها آن است که غرامت کمتر از زیان وارد شده و نیز بیشتر از آن نباشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۹، ص ۴۲۵). در حقوق فرانسه، جبران خسارت مستلزم یک شرط ماهوی مثبت و اساسی، یعنی قطعیت خسارت و شرط اخلاقی دیگر، یعنی مشروعیت منفعتی است که آسیب دیده است (ژوردن، ۱۳۹۷، ص ۸۴). بنابراین ضررهای وارد شده را مطابق با این دو شرط بررسی خواهیم کرد و سپس در خصوص نحوه جبران خسارت‌ها و نیز نحوه ارزیابی میزان ضررهای ناشی از این دو فعل زیان‌بار (تفویض موقعیت و تفویض منفعت) سخن خواهیم گفت.

۳-۶۳-۲. قطعیت زیان

هدف این شرط معقول، جلوگیری از جبران زیانی است که فقط احتمال رخ دادنش وجود دارد. بنابراین صرف وقوع خسارت قابل جبران نیست (همان، ص ۸۵). در رویه قضایی فرانسه نیز، آرای متعددی بر اساس قابل جبران نبودن ضررهای احتمالی صادر شده است؛ به عنوان مثال، در رأی شعبه ۱۲ دیوان عالی فرانسه، دعوای پدر و مادر دختری که در سانحه رانندگی فوت کرده بود، علیه عامل حادثه، مبنی بر مطالبه نفقه که در صورت زنده بودن دخترشان می‌توانستند حاصل کنند، به دلیل احتمالی بودن ضرر (پرداخت نفقه) مردود اعلام شد.

در خصوص زیان ناشی از تفویض موقعیت، همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، التزام مستمر مدیون به پرداخت دین طبیعی خویش سبب مبدل شدن آن به یک حق قانونی برای خویشتان واجب‌النفعه وی (در فرض مورد بحث زیان‌دیده است) خواهد شد. بنابراین زیان ناشی از تفویض چنین موقعیتی یک ضرر قطعی و نهایی خواهد بود. بر همین اساس در حقوق فرانسه،

1. Civ. 2, 14 nov. 1958.

زیان اشخاصی همانند دوستان نیازمند، خواهر، برادر، پدر و مادر که هزینهٔ زندگی آنها بر عهدهٔ زیان‌دیده بوده است، لیکن به دلیل فعل زیان‌بار شخص ثالث، از این کمک مالی محروم شده‌اند، مشروط به آنکه زیان‌دیده مستقیم فوت کرده باشد و افراد تحت تکلف وی بتوانند کمک مالی زیان‌دیده را به اثبات برسانند، زیان قطعی و قابل جبران تلقی شده است. به علاوه در فرض تفویض فرصت دستیابی به نفع مشروع (نفقه)، علی‌رغم اینکه ضرر ناشی از این تفویض فرصت به دلیل احتمالی بودن دستیابی به هدف نهایی یک ضرر احتمالی است، لیکن صرف از دست دادن بخت دستیابی به منفعت را قطع نظر از درجهٔ احتمال ورود خسارت می‌توان به‌عنوان یک ضرر مستقل و نهایی شناخت. بنابراین تفویض موقعیت و فرصت ناشی از نابودی نفقه، یک ضرر قطعی به شمار خواهد رفت. در حقوق ایران نیز، شرط قطعی بودن زیان وارده از مواد ۵ و ۶ قانون مسئولیت مدنی قابل استنباط است.

۳-۶-۳. مشروع بودن منفعت

در رویهٔ قضایی فرانسه، مدت زیادی بود که جبران خسارت ناشی زیان‌دیدگان را مشروط به این می‌دانست که به «منفعت مشروع و مورد حمایت حقوقی آسیب دیده باشد». بر همین مبنا، پدر و مادر و فرزندان که نسب قانونی با زیان‌دیده نداشتند یا نامزدها، برادران و خواهران نمی‌توانستند ادعای خسارت کنند (mazoud & shabas, 1991, P.702)؛ لیکن طولی نکشید که شعبهٔ متخلط دیوان عالی فرانسه با پذیرش دعوی هم‌خواه به شرط داشتن روابط پایدار (قطعی بودن زیان)، شرط مورد حمایت قانونی را کنار نهاد. بر همین اساس، زیان ناشی از تفویض موقعیت و نیز تفویض فرصت از دست رفتن نفقه، آسیب به یک نفع مشروع و اخلاقی است و بنابراین قابل جبران تلقی خواهد شد. همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان گردید، در حقوق ایران، لطمه زدن به منافی که قانون آن را منع نکرده و عرف نیز پذیرای آن است، به‌عنوان یک ضرر قابل مطالبه می‌باشد.

تا بدین جا مشخص شد که خسارات ناشی از تفویض موقعیت و نیز تفویض فرصت مشمول اصل کامل جبران خسارات‌ها قرار می‌گیرند و باید فاعل زیان آن را جبران کند. در رأی

دیوان عالی فرانسه^۱ نیز، مقرر شده است: «اصل جبران کامل خسارت است و باید معادل خسارتی که به زیان دیده وارد شده، جبران شود».

۳-۶۳-۴. نحوه جبران خسارت

نحوه جبران خسارت در حقوق فرانسه دو گونه است (viney, 1988, vol 1, P. 60): نخست پرداخت به مثل: مقصود از جبران به مثل آن است که وضعیت زیان دیده به همان شکل پیش از خسارت بازگردانده شود؛ مانند انجام کاری که نادرست صورت گرفته است یا تعمیر و بازسازی مال معیوب. علی رغم اینکه جبران به مثل هم در حقوق ایران و هم حقوق فرانسه، مناسب ترین شیوه جبران خسارت است، جبران خسارت به این شیوه همیشه میسر نیست و امکان دارد با موانع مادی روبرو شود یا در مورد برخی از خسارات، قابل تصور نباشد، مانند زیان های معنوی یا مادی (flour, 2009, vol3, P 371). بر همین اساس، از آنجایی که زیان وارده در اثر تفویت موقعیت و نیز تفویت فرصت از جنس زیان های مالی است که بر زیان دیده وارد شده است، جبران خسارت از طریق پرداخت به مثل در جبران خسارت های مذکور، کارایی لازم را ندارد و قابل استیفا نمی باشد. در حقوق ایران نیز، از تقدم مثل بر قیمت سخنی به میان نیامده و در مواردی، ممکن است مبلغی پول به عنوان جبران خسارت تعیین شود.

دوم پرداخت مالی یا غرامت: مقصود از جبران مالی، پرداخت مبلغی پول (غرامت) معادل زیان وارده به زیان دیده است (viney, 1988, vol2, P 60). در حالی که هدف جبران به مثل آن است که تا حد امکان خسارت را محو نماید، هدف از جبران مالی صرفاً ترمیم خسارات وارده است. بر همین اساس، از آنجایی که فعل زیان بار شخص ثالث سبب فوت زیان دیده و نیز از بین رفتن موقعیت و فرصت دستیابی به نفقه اطرافیان و خانواده وی شده است، جبران خسارت های ناشی از فوت زیان دیده و نیز تفویت موقعیت و فرصت اطرافیان وی از طریق جبران مالی (غرامت) انجام خواهد پذیرفت.

در حقوق فرانسه، جبران خسارت از طریق پرداخت مال ممکن است بر اساس نظر قاضی

1. cass, 2civ, 19juin, 2003.

یا به شیوه پرداخت سرمایه (یک‌باره) و نیز به شکل مستمری باشد. در رأی شعبه ۲ دیوان عالی فرانسه^۱ نیز اختیار تعیین خسارت به صورت مستمر یا به صورت مبلغ نقدی به قاضی واگذار شده است. بر همین اساس، از آنجایی که خسارت ناشی از تفویت موقعیت، از دست دادن یک درآمد مستمر و پایدار بوده است، به نظر می‌رسد زیان ناشی از تفویت موقعیت در قالب مستمری مادام‌العمر برای زیان‌دیده جبران خواهد شد؛ لیکن جبران خسارت‌های ناشی از تفویت فرصت به دلیل آنکه یک درآمد مستمر و پایدار برای زیان‌دیده وجود نداشته است، به نظر می‌رسد جبران خسارت در این فرض، پس از ارزیابی^۲ فرصت از دست‌رفته توسط محکمه، در قالب پرداخت سرمایه خواهد بود.

۳-۴. مبانی قانونی لزوم جبران خسارت ناشی از تفویت موقعیت

۳-۴-۱. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی

قانون‌گذار در این ماده مقرر می‌دارد که هرکس بدون مجوز قانونی به هر حقی که به موجب قانون برای افراد ایجاد شده، لطمه‌ای وارد نماید، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد. همان‌طور که بیان گردید، وجود یک موقعیت مستمر و پایدار سبب ایجاد یک حق قانونی برای افراد خواهد شد. بنابراین هرگونه آسیب‌رسانی به موقعیت افراد، سبب آسیب به حق قانونی آنها می‌شود و مطابق با ماده فوق، موجب شکل‌گیری مسئولیت مدنی فاعل زیان‌بار در مقابل زیان‌دیده خواهد شد.

۳-۴-۲. مبانی قانونی لزوم جبران خسارت تفویت فرصت

۳-۴-۱. ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی

قانون‌گذار در این ماده، به خویشاوندان واجب‌النفعه‌ای که در اثر فعل زیان‌بار شخص ثالث،

1. cass, 2civ, 12mai, 2010.

۲. در رویه قضایی فرانسه، مسئله زمان ارزیابی خسارت مبتنی بر اصل ارزیابی در زمان صدور حکم است. در رأی شعبه اجتماعی دیوان عالی فرانسه، مقرر شده است: «ارزیابی خسارت در روز صدور حکم انجام می‌پذیرد. میزان خسارت ناشی از تفویت موقعیت و تفویت فرصت، در روز صدور حکم به جبران خسارت، ارزیابی خواهد شد (viney, 1988, P. 80).

فرصت بهره‌مندی از نفقه را از دست داده‌اند، حق مطالبه خسارت اعطا نموده است. بنابراین باید بیان داشت علی‌رغم اینکه در فرض مورد بحث، زیان‌دیده از یک نفع احتمالی که هر لحظه ممکن است در اثر مرگ یا فقر منفق یا بی‌نیازی او از بین برود، محروم شده است، لیکن قانون‌گذار محروم ماندن از چنین نفعی را قابل مطالبه می‌داند.

۳-۲-۴. ماده ۵۶۶ قانون مدنی

این ماده که به عامل اجازه داده است تا در صورت رجوع جاعل در اثنای عمل اجرت‌المثل خود را مطالبه نماید نیز، بر مبنای جبران خسارت ناشی از تفویت منفعت است؛ زیرا فسخ جاعل بخت دستیابی عاملی را که کار یا هدف مدنظر را به‌خوبی دنبال کرده است، از بین می‌برد و میزان ارزش کاری که از دست رفته، معیار سنجش ضرر ناشی از این اقدام است (بهارى اردکانی و همکاران، ۱۳۹۵ ص ۷۹).

یافته‌های پژوهش

در خصوص مطالبه ضرر ناشی از تفویت موقعیت بهره‌مندی از نفقه و شکل‌گیری مسئولیت مدنی ناشی از آن، بین حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی از حقوق‌دانان با ادله‌ای (مانند طبیعی نبودن پرداخت نفقه اقارب، عدم وجود ضمانت‌اجرای مناسب ناشی از ترک پرداخت نفقه اقارب، قانونی نبودن موقعیت ناشی از پرداخت نفقه و در نهایت احتمالی بودن ضرر ناشی از چنین موقعیتی)، مطالبه ضرر ناشی از تفویت موقعیت را غیرممکن تلقی نموده‌اند؛ لیکن برخی دیگر از حقوق‌دانان با بیان اینکه موقعیت بهره‌مندی از نفقه یک نفع مشروع است، ضرر ناشی از چنین موقعیتی را قابل مطالبه می‌پندارند.

با نقد و بررسی ادله مخالفان در دو فرض تفویت موقعیت مستمر و نیز توفیت موقعیت ناپایدار، روشن شد که دلایل ابرازشده مخالفان مخدوش است و ادعای آنان را تأیید نمی‌کند. لذا باید بیان داشت نه تنها در هر دو فرض (موقعیت مستمر و موقعیت ناپایدار)، تعهد به پرداخت نفقه با توجه به ماده ۲۶۶ قانون مدنی، یک تعهد طبیعی است، بلکه در فرضی که زیان‌دیده از یک موقعیت مستمر برخوردار بوده، التزام مستمر مدیون سبب تشکیل یک حق قانونی برای زیان‌دیده خواهد شد که امکان مطالبه ضرر ناشی از فقدان این موقعیت را بر مبنای

ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی، به وی خواهد داد. به علاوه پس از التزام مستمر مدیون به پرداخت دین اخلاقی خود و شکل گیری یک حق قانونی برای زیان دیده، نه تنها وی یک نفع احتمالی را به دست نیاورده، بلکه از دستیابی به نفعی که بر پایه سیر طبیعی امور، برای او قابل تحقق و مطالبه بوده، محروم مانده است. بنابراین خسارات وارده بر زیان دیده در این فرض، به صورت غرامت مالی مستمر جبران خواهد شد.

از سوی دیگر، در فرضی که زیان دیده از یک موقعیت ناپایدار و غیرمستمر برخوردار بوده است، باید بیان داشت که بر مبنای احتمالی بودن ضرر ناشی از آن و نیز تبدیل نشدن حق طبیعی زیان دیده به یک حق قانونی، نمی توان قائل به مطالبه ضرر ناشی از تفویت چنین موقعیتی بر مبنای ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی شد؛ لیکن در چنین فرضی، زیان دیده صرفاً فرصت دستیابی به نفع مشروعی را از دست داده است که امکان مطالبه ضرر ناشی از آن را نه به عنوان یک موقعیت، بلکه بر مبنای از دست رفتن یک فرصت جدی و ارزشمند، به او خواهد داد که خسارت وارده بر زیان دیده در این فرض، پس از ارزیابی فرصت از دست رفته توسط محکمه به صورت غرامت مالی جبران خواهد شد.

بر همین اساس، به نظر می رسد که امکان مطالبه ضرر ناشی از تفویت موقعیت به عنوان یک حق قانونی و نیز مطالبه ضرر ناشی از تفویت فرصت به عنوان یک فرصت از دست رفته، نه تنها می تواند در آینده به تدوین قوانین و سیاست گذاری ها کمک شایانی نماید، بلکه در عصر کنونی نیز می تواند خلأ موجود در این زمینه را برطرف کند و به مسائل مهم پیرامون موضوع، پاسخ هایی شایسته ارائه دهد تا در صورت روبرو شدن دادگاه ها با دعاوی مرتبط، بتوانند با تصمیمی آگاهانه، عدالت را در جای خود نشانند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن فارس، احمد (۱۳۸۷). ترتیب مقایس اللغه. قم: مرکز دراسات الحوزه و الجامعه.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۳۶۵). کفایه الاصول، جلد ۲. تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ ششم.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۱ق). فرائد الاصول. قم: جامعه مدرسین.

- انصاری، محمد بن نظام‌الدین (بی‌تا). *فواتح الرحموت*. بیروت: انتشارات دار الفکر.
- بادینی، حسن و اقدس طینت، حمیدرضا (۱۳۹۶). «خطرات معمول زندگی و نقش آن در قلمرو مسئولیت مدنی». *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۲۲ (۷۷ و ۸۸)، ص ۱-۴۰.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۹۹). *مسئولیت مدنی*. تهران: انتشارات میزان، چاپ نهم.
- بهاری اردکانی، ابولفضل؛ هاشمی باجگانی، سید جعفر و سلیمانیان، سید ابوالفضل (۱۳۹۵). «مسئولیت مدنی ناشی از تقویت فرصت». *فصلنامه مجلس و راهبر*، ۲۳ (۸۶)، ص ۶۹-۸۴.
- ژوردن، پاتریس (۱۳۹۴). *اصول مسئولیت مدنی*. ترجمه و تحقیق مجید ادیب. تهران: انتشارات میزان، چاپ چهارم.
- جعفرزاده، سیامک و عزیزاده، حمید (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی ماهیت حقوقی و شرایط استحقاق نفقه اقارب در حقوق ایران و انگلستان». *دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده* (ندای صادق)، ۲۵ (۷۳)، ص ۲۶۱-۲۸۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۱). *دایرةالمعارف علوم اسلامی قضایی*. تهران: انتشارات گنج دانش.
- ذاکری، اشرف‌السادات (۱۳۹۰). *مسئولیت مدنی ناشی از تقویت فرصت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران. بازیابی شده از <https://library.ut.ac.ir/fa>.
- سکوتی، رضا و شمال، نگار (۱۳۸۹). «جایگاه عدم‌النفع در نظام حقوقی ایران». *مجله مطالعات حقوقی معاصر*، ۱ (۲)، ص ۷۹-۹۸.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸ق). *الوسیط فی الشرح القانون المدنی الجدید*، جلد ۱. بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه، چاپ سوم.
- عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی) (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*، جلد ۱۲. قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۵). «امکان فهم مصالح و مفاسد مورد نظر شارع». *نشریه حقوق اسلامی*، ۱ (۸)، ص ۳۹-۶۰.
- صفایی، سید حسین و رحیمی، حبیب‌الله (۱۴۰۰). *مسئولیت مدنی (الزام‌های خارج از قرارداد)*. تهران: انتشارات میزان، چاپ چهاردهم.
- _____ (۱۳۹۹). *مسئولیت مدنی تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه*. تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم.
- طباطبایی، علی (۱۴۴۲ق). *ریاض المسائل*، جلد ۱۲. تهران: مؤسسه نشر اسلامی.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *الخلافا*. قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
- عبدالصمدی، راضیه؛ هنردوست، احمد و جوان، صدیقه (۱۳۹۵). «ماهیت تعهدات طبیعی و ارتباط آنها با تعهدات اخلاقی». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۰(۹۳)، ص ۱۹۲-۲۱۴.
- قافی، حسین و شریعتی، سعید (۱۳۹۸). *اصول فقه کاربردی*، جلد ۲. تهران: سمت، چاپ دوازدهم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). *الزام‌های خارج از قرارداد*، جلد ۱. تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ چهارم.
- _____ (۱۳۹۹). *حقوق مدنی نظریه عمومی تعهدات*. تهران: انتشارات میزان، چاپ نهم.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۷). *قواعد فقه، بخش مدنی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ پنجاهم.
- _____ (۱۴۰۰). *نظریه عمومی نفی دشواری*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دوم.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۹). *قواعد فقه*. تهران: انتشارات میزان، چاپ شانزدهم.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰). *اصول الفقه*. قم: دفتر تبلیغات.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۵). *رسائل*. قم: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یربئی، سید علی محمد و محمودی، جواد (۱۳۹۷). «اثبات حکم با قاعده لاضرر». *فصلنامه پژوهش‌های فقهی*، ۱۴(۱)، ص ۱۰۵-۱۲۵.
- یزدان‌بان، علیرضا (۱۳۹۹). *قواعد عمومی مسئولیت مدنی*، جلد ۱. تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم.
 - FLOUR Jacques (2009). *Les obligations. vol3: Le rapport d'obgations*. 6ed.sirey .
 - MAZEAD Henry et CHABAS Francois(1991). *leçons de droit civil obligations*. 8éd.paris: Montchrestien.
 - SAVATIER René(1950). *Traité de la responsabilité civile en droit français*. paris: Librairie générale de droit et de jurisprudence.
 - Viney Genevié Jourdian Patric(1998). *Traité de Droit civil.Les conditoins de la responsabilité civile*. Paris: Librairie générale de droit et de jurisprudence.
 - Viney Genevié(1988).*Traité de Droit civil. les obligation la responsabilité.vol 1 ,2 éd*. Paris: Librairie générale de droit et de jurisprudence.